

محسن میردامادی از احتمالات پیش روی مناقشه فلسطین و اسراییل و بازیگران اثرگذار آن می‌گوید

اسراییل در حمله زمینی شکست می‌خورد

صهیونیستها در آخرین جنگ خود با حزب‌الله صحنه نبرد را باختند

مهدی بیک‌اوغلی

سناریوهای پیش روی فلسطین پس از رخدادهاي اخیر چه خواهد بود؟ در میان روایت‌ها و خرده‌روایت‌هایی که در خصوص این مناقشه مطرح می‌شود چگونه می‌توان به ریسمان حقیقت چنگ زد و واقعیت را از دل این همه خرده‌روایت، بیرون کشید؟ اگر هر کدام از طرف‌های مناقشه پیروز نهایی نام معرفی شوند، سرنوشت منطقه چه خواهد شد؟ آیا احتمال سرایت مناقشه به يك معادله جهانی با ورود روسیه و امریکا به چالش وجود دارد؟ این پرسش‌ها و سایر پرسش‌هایی از این دست این روزها به کرات در فضای عمومی و تخصصی کشورمان مطرح شده و هر کس از ظن خود به آن پاسخ می‌دهد. محسن میردامادی فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با «اعتماد» تلاش می‌کند روایت خاص خود را از رخدادهاي اخیر ارایه کند. روایتی که در آن ضمن واکاوی ریشه‌های مناقشه به مسائل پیرامونی این رخداد از جمله احتمال سرایت بحران به منطقه، نقش طرف‌های ثالث در ظهور و فروکش کردن بحران، و... هم اشاره شده است.

این روزها با دو نوع روایت اصلی و چندین خرده‌روایت در خصوص مناقشه اسراییل و غزه روبه‌رو هستیم، روایتی که توسط طرف اسراییلی (و بعضا کشورهای غربی) منتشر می‌شود و روایتی که فلسطینی‌ها و کشورهای اسلامی طرفدار فلسطین مطرح می‌کنند. روایت شما از ریشه‌های بحران چیست؟

اکثر کارشناسان اتفاق نظر دارند عملیاتی که توسط فلسطینی‌ها انجام شد، عملیاتی بی‌سابقه، غیر منتظره و غیر قابل پیش‌بینی بوده است. رخدادی که می‌تواند تغییرات مهمی را در نقشه سیاسی و توازن

منطقه‌ای ایجاد کند.

صرف‌نظر از جزییات عملیات که ممکن است از برخی زوایا مورد انتقاد هم باشد، مهم‌ترین اثر ماندگار این عملیات، آسیب دیدن هیمنه و تحقیری است که اسرائیل با آن مواجه شده است. اسرائیل هم از دید خود و هم از نگاه ناظران بیرونی، مهم‌ترین قدرت نظامی و اطلاعاتی منطقه محسوب می‌شود، این موقعیت با عملیات فلسطینی‌ها آسیب دیده و مجموعه نظامی و اطلاعاتی اسرائیل تحقیر شد. به خصوص این حقارت در خصوص نتانیاهو که ادعاهای گزافی داشته، بیشتر نمایان است. نتانیاهو هم قبل از عملیات در عرصه داخلی مشکلات جدی داشت و هم در بیرون از مرزهایش در مواجهه با دولت فعلی امریکا، فاقد موقعیت مناسب است. بایدن ترجیح می‌دهد دولتی غیر از نتانیاهو در اسرائیل روی کار باشد. البته طبیعی است در شرایط فعلی که اسرائیل درگیر برخوردهای نظامی است، روی این مشکلات مانور داده نشود، هرچند همین امروز هم نقدهای جدی متوجه نتانیاهو است که با رادیکالیسم و تندروی، زمینه ظهور عملیات‌های اخیر را تسریع کرده است. معتقدم با فروکش کردن گرد و خاک نبرد مشکلات درونی اسرائیل بیشتر نمایان می‌شود.

درباره اهداف فلسطینی‌ها از عملیات اخیر زیاد صحبت شده اما درباره هدف اسرائیلی‌ها پس از رخدادهای اخیر کمتر بحث شده. اسرائیل از دل آن مناقشه چه اهداف و خواسته‌هایی را دنبال می‌کند؟

گزاره‌ای که اسرائیل به دنبال آن است، جبران تحقیرشدگی و ترمیم هیمنه آسیب‌دیده‌اش است. تا به امروز به جز حمله به غیر نظامیان و ساختمان مسکونی واکنش دیگری نشان داده نشده، این واکنش‌ها نه تنها سودی برای اسرائیل نداشته بلکه اوضاع را برای این کشور بدتر کرده است. اگر در روزهای نخست پس از عملیات افکار عمومی برخی واکنش‌های مثبت به خصوص از سوی کشورهای غربی متوجه اسرائیل نشان داده بودند، پس از بمباران روزهای گذشته تقریباً در همه کشورهای جهان (حتی کشورهای غربی) افکار عمومی به نفع فلسطینی‌هاست و اسرائیل در عرصه رسانه‌ای هم بازنده بوده است. با ادامه روند فعلی اسرائیل قطعاً بازنده نهایی خواهد بود.

یعنی شما پیش‌بینی می‌کنید که اسرائیل بازنده قطعی مناقشه اخیر باشد؟

نتیجه قطعی را که فعلاً نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ هر پیش‌بینی به تحولات

آینده بستگی دارد. مهم این است که در پایان درگیری‌ها فلسطینی‌ها یا اسرایلی‌ها دست بالاتر را در افکار عمومی جهانی داشته باشند و اینکه آیا تحقیر اسراییل جبران شده یا نه؟ در شرایطی که اسرایلی‌ها اعلام کرده‌اند که هدف نابودی کامل حماس است، هر رخدادی به جز نابودی حماس به منزله شکست اسراییل است. اگر اسراییل در پایان نبرد در مجموع به عنوان طرف پیروز معرفی نشود، تبعاتی خواهد داشت و جایگاه اسراییل در معرض افول قرار می‌گیرد. فراموش نکنید، اسراییل در آخرین جنگ خود با حزب‌الله از نظر نظامی شکست خورد، حادثه‌ای که نخستین شکست جدی نظامی این کشور بود. چنانچه اسراییل در برابر حماس در یک منطقه محاصره شده هم نتواند پیروز شود، نگاه به اسراییل به عنوان یک قدرت تغییر کرده و فلسطینی‌ها انگیزه بیشتری برای تحقق خواسته‌های خود پیدا می‌کنند. علاوه بر این در عرصه داخلی اسراییل هم تاثیرات سریع و جدی بروز کرده و نتانیاهو با مشکلات جدی داخلی مواجه می‌شود. این تحولات در صورت رخ دادن شمایل کلی منطقه را هم تغییر می‌دهد و نیروهای مخالف اسراییل را تقویت می‌کند، روند کاری کشورهای که به دنبال تعامل با اسراییل و عادی‌سازی روابط بودند را دچار مشکلات جدی می‌کند. البته همین امروز هم روند توسعه روابط با اسراییل تقریباً متوقف شده است.

در صورت وقوع روی دیگر سکه چه خواهد شد، اگر فرض بگیریم اسراییل بتواند در عرصه میدانی پیروزی‌هایی که کسب کرده و عملیات زمینی به غزه داشته باشد چه شرایطی رخ می‌دهد؟

اگر نتیجه نهایی جنگ طوری باشد که اسراییل پیروز جنگ معرفی شود (که بعید است) طبیعتاً نیروهای مخالف اسراییل در منطقه موقعیت ضعیف‌تری پیدا می‌کنند. در این صورت ممکن است اسراییل به حذف فلسطینی‌ها و حماس اکتفا نکند و سعی کند سراغ نیروهای دیگری چون حزب‌الله و... هم برود. این نیروها خطر بالقوه دایم برای اسراییل هستند و مقابله با آنها می‌تواند خطرات آینده را هم از اسراییل دفع کند. این روند می‌تواند منجر به گسترش درگیری‌ها در منطقه شود و منطقه را دچار درگیری‌های ادامه‌دار و مستمر کند. به خصوص برای حزب‌الله که برخلاف فلسطینی‌ها، عقبه بازی داشته و محاصره نیست. ضمن اینکه توانایی بالایی در نبردهای مختلف دارد. بنابراین پیش‌بینی نتیجه رخدادها بسیار دشوار است. اسراییل در گذشته هم سابقه حمله زمینی به غزه دارد و نتایج مطلوبی نگرفته است. در حال حاضر اسراییل ژست ورود گسترده‌تر به غزه را گرفته. این حضور ریسک بالایی

دارد و اسرائیل را در برابر آسیب‌پذیری‌های بیشتر قرار می‌دهد. احتمالاً حماس هم پیش‌بینی کرده که پس از وارد ساختن ضربات تحقیرکننده، اسرائیل به غزه وارد شود و محتمل است برای این حمله آمادگی داشته باشد. ساده‌انگارانه خواهد بود اگر کسی تصور کند حماس این پیش‌بینی‌ها را نکرده باشد. با ورود نیروی زمینی بر خلاف روندی که تا به امروز طی شده و اسرائیل تنها اقدام به بمباران منطقه‌ای کرده که هیچ توانایی خاصی برای پدافند ندارد، اوضاع فرق خواهد کرد. در آنجا نقش مبارزان بسیار مهم و تعیین‌کننده خواهد بود. در عملیات نظامی هرچند اسرائیلی‌ها تجهیزات بالاتری دارند اما فلسطینی‌ها از روحیه و انگیزه افزون‌تری برخوردار خواهند بود. تصور اینکه در يك چنین تقابلی، اسرائیلی‌ها به آسانی پیروز شوند، ساده‌انگارانه است. وجود گروگان‌های فراوان اسرائیلی در دست فلسطینی‌ها هم کار را برای اسرائیل دشوار می‌کند. اگر نتیجه حمله زمینی منجر به کشته شدن گروگان‌ها شود، فشار زیادی متوجه حاکمان اسرائیل می‌کند. با این توضیحات دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده برای اسرائیل بسیار دشوار خواهد بود.

مدتهاست که اسرائیل اعلام کرده قصد دارد از طریق حمله زمینی، جنگ را مغلوبه سازد. اما تا به امروز به بهانه‌های مختلف این امر محقق نشده است. به نظر شما دلیل این تاخیر چیست؟

اشاره شد اگر اسرائیل موفق شود نام خود را به عنوان برنده این مناقشه معرفی کند، توازن قوا در منطقه به نفع اسرائیل تغییر می‌کند. اما اگر اسرائیل وارد پروسه حمله زمینی شود و به اهدافش نرسد یا تلفات پیش‌بینی‌نشده بسیاری بدهد و... عملاً برایش به معنای شکست دوم خواهد بود. تاخیر در آغاز عملیات زمینی به نظر ناشی از وجود این ابهامات است. شاید اسرائیلی‌ها به فکر آزادی گروگان‌ها از طریق عملیات کماندویی با مشارکت امریکایی‌ها هستند. البته با توجه به وجود تونل‌های زیرزمینی بی‌شمار در غزه این نوع حملات هم بعید است. اگر اسرائیل می‌توانست این عملیات را اجرایی کند و با کماندوهایش گروگان‌ها را آزاد سازد، بلافاصله به آن اقدام می‌کرد. ضمن اینکه خطر کشته شدن گروگان‌ها و شکست اسرائیل این پروسه را هم از دسترس خارج ساخته. اینکه در پایان درگیری‌ها هیچ‌کدام برنده یا بازنده مطلق نباشند اما هر کدام دستاوردهایی کسب کنند. به نظرم احتمال وقوع این حالت کم است. درگیری‌ها به نحوی است که در پایان کار یکی از طرفین دارای دستاورد بیشتر و طرف دیگر به عنوان طرفی با دستاوردهای حداقلی یا شکست‌خورده معرفی خواهد شد.

سیاست ایران در این مناقشه مبتنی بر چه المان‌هایی باید ترسیم شود؟

حاکمیت باید سیاست‌هایی را دنبال کند که ایران به هیچ‌وجه درگیر این نبرد نشود چرا که عاقبت خوبی برای ایران نخواهد داشت. فکر می‌کنم مواضع رهبری هم تا به حال در این راستا بوده است. پیداست ایشان هم به این ضرورت‌ها توجه دارند که ایران نباید وارد یک چنین چالشی شود. البته سایر افرادی که مسوولیت داشته و در این زمینه صحبت می‌کنند باید در راستای این هدف کلی رفتار کنند. معتقدم در برخی موارد برخی افراد مسوول این ضرورت را به درستی درک نکرده و مواضع نامناسبی اتخاذ کرده‌اند. بهترین موضع در میان مسوولان ایران، موضع رهبری بود که به‌شدت از ورود به مناقشه پرهیز کردند.

در ماجرای مناقشه روسیه و اوکراین، سیاست ایران با نقدهایی همراه و موضوع پهنپاها باعث وارد شدن فشار زیاد به کشورمان شد. در مورد فلسطین راهبرد ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در مقایسه با بحث اوکراین، ایران تا به حال مشکلات قبلی در ماجرای اوکراین را انجام نداده است. تلقی من این است که حاکمیت در بحث اوکراین اشتباه استراتژیک مرتکب شد. به جای اینکه به دنبال احیای برجام باشد و تلاش کند تحریم‌ها برداشته و مشکلات با کشورهای غربی کاهش یابند، کاملاً یکطرفه به قدرتهای شرقی به خصوص روسیه متکی شدند. این تصمیمات با این نگاه اتخاذ شدند که اگر پرونده هسته‌ای ایران روزی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد، روسیه اجازه صدور قطعنامه علیه ما را ندهد. به این دلیل بیش از اندازه به روسیه متکی شدند. طبیعتاً وقتی این اتکا یکطرفه شکل بگیرد، ایران ناچار به اجرای خواسته‌های روسها می‌شود تا به زعم خود اطمینانی برای آینده داشته باشد. ایران به جای ایجاد توازن با همه قدرتها تنها به بلوک شرق متکی شد؛ موضوعی که پیامدهای زیانباری برای ایران داشت. تا زمانی که حل پرونده هسته‌ای، برطرف شدن تحریم‌ها و عادی‌سازی روابط با کشورهای غربی در دستور کار قرار نگیرد این نوع مشکلات شکل می‌گیرند. بعید میدانم در بحث فلسطین یک چنین اشتباهات استراتژیکی تکرار شود و امیدوارم اینگونه نشود.

روند آینده این رخداد را چطور می‌بینید و آیا می‌توان تصویری از احتمالات ارائه کرد؟

شرایط بسیار پیچیده و دیدن انتهای مسیر در گرد و غبار رخدادها

بسیار سخت شده، اما يك واقعیت را می‌توان مطرح کرد و آن اینکه نتیجه هرچه که باشد پس از پایان درگیری‌ها ایده تشکیل کشور مستقل فلسطینی قوی‌تر شده و بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرد.

□ حتی اگر اسرائیل مناقشه را به نفع خود تمام کند؟

بله؛ اگر فلسطینی‌ها پیروز نبرد باشند که ایده تشکیل کشور مستقل را مطالبه می‌کنند اما اگر اسرائیلی‌ها هم در پایان دست بالاتر را داشته باشند باز هم قدرتهای جهانی، فشار می‌آورند که اسرائیل تشکیل دو دولت را پذیرا شود. امروز همه باور دارند که فشار بیش از حد و ظلم طولانی بر فلسطینی‌ها توسط اسرائیل شرایط امروز را ایجاد کرده است. حتی اگر اسرائیل موفق به سرکوب مقطعی فلسطینی‌ها شود تجربه اخیر نشان داد که سرکوب هیچ تضمینی برای آرامش و امنیت آینده ایجاد نمی‌کند. فشار زیاد نهایتاً انفجار را به دنبال دارد. غربی‌ها برای جلوگیری از این فوران‌ها و انفجارها، از ایده تشکیل دولت فلسطینی دفاع می‌کنند.

تجربه اخیر نشان داد که سرکوب هیچ تضمینی برای آرامش و امنیت آینده ایجاد نمی‌کند

غربی‌ها برای جلوگیری از فوران‌ها و انفجارها، از ایده تشکیل دولت فلسطینی دفاع می‌کنند

پس از پایان درگیری‌ها ایده تشکیل کشور مستقل فلسطینی قوی‌تر شده و بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرد

حاکمیت در بحث اوکراین اشتباه استراتژیک مرتکب شد. به جای اینکه به دنبال احیای برجام باشد و تلاش کند تحریم‌ها برداشته و مشکلات با کشورهای غربی کاهش یابند، کاملاً یک طرفه به قدرت‌های شرقی به خصوص روسیه متکی شدند

منبع: روزنامه اعتماد 3 آبان 1402 خور□□□□